

# جس من

میرد قطار میباران

معلم شیعه جعفری

عناص

مستار

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: یاسر اصلانی  
روابط عمومی: فاطمه محمودی  
تحریریه: سهیلا سادات حسینی، فاطمه محمودی، یاسر اصلانی

## ماه نامه سایس من

«فرهنگی - هنری»

وابسته به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی



وب سایت: [www.sayesman.ir](http://www.sayesman.ir) [www.totayar.ir](http://www.totayar.ir)

@sayes\_man



@totayar.ir

@nashre.tahkim.khanevade



@totayar



طراح جلد و صفحه بندی: فؤاد

totayar@iran.ir رایان نامه

Iea.iran@iran.ir

ماهانامه «سایس من» با وابستگی به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی، رسالت خود را در حوزه ی فرهنگ و هنر دنبال می کند. از این رو نام سایس به معنای «ادب آموزنده» را برای خود انتخاب کرده است. تا این سؤال را مدام از خود بپرسد که چه کسی به من ادب آموخت؟. سایس من کیست؟.



**با عضویت در انجمن تعلیم و تربیت اسلامی زندگی خود را سامان دهید.**

**انتشارات تحکیم خانواده تولید کننده محتوای استاندارد زیر نظر انجمن**

ماه رمضان امسال، رمضان بسیار باحال و پُرشوری بود؛ در این ماه، دعا بود، تضرع بود، توسل بود، مخصوصاً در شبهای مبارک قدر، شبزنده‌داری‌های پُرسوزوگداز جوانان و اشکهای گرمی که از چشمهای مبارک جوانان پاکیزه‌ی ما جاری میشد، بسیار برجسته بود. مجالس و محافل معرفت‌آموزی و درس‌آموزی، مجالس قرآن، تلاوت قرآن، در همه جای کشور امسال بحمدالله آن جوری که به چشم انسان می‌آمد از همیشه برجسته‌تر بود. حضور مردم در گلزارهای شهدا، در مجالس، در محافل، در هیئات، در مساجد، حضور نمایی بود. علاوه‌ی بر اینها، کمکهای مؤمنانه‌ای که مردم در این ماه انجام دادند — کمک به ایتام، کمک به مستضعفان و فقرا — که یکی از مهم‌ترین وظایف ماه رمضان همین حضور مردمی و حضور در کنار مستضعفان و مستمندان است. علاوه‌ی بر اینها، آن حرکت عظیم مردمی در روز قدس است که مردم مؤمن که شب قبل را با احیا گذرانده بودند، روز هم با دهان روزه، آن اجتماع پُرشکوه را و متراکم را در سراسر کشور نشان دادند؛ اینها توفیقات الهی است، اینها الطاف الهی است. ماه رمضان، هم ماه تضرع است، هم ماه جهاد است؛ در صدر اسلام جنگ بدر در ماه رمضان بود، فتح مکه در ماه رمضان بود؛ در این سالها هم روز قدس، روز مبارزه‌ی ملت ایران است که ملت‌های دیگر هم بحمدالله امسال همراهی کردند که در یک سطح بسیار وسیعی گسترده بود.

مردم ما در این ماه دستاوردهای زیادی داشتند: رقت قلب، تقرب به پروردگار عالم، پاکیزگی روح، توجه و تذکر به معنویت، آشنا شدن با بسیاری از معارف الهی و اسلامی،

## بیانات رهبری در نماز عید فطر



:خطبه‌ی اوّل

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. الحمد لله الذي خلق السماوات و الارض و جعل الظلمات و النور ثم الذين كفروا برّهم يعدلون. نحمدك و نستعينك و نتوسل اليك و نستغفرک و نصلّي و نسلمّ علیّ حبیبک و نجیبک سید خلقک ابی القاسم المصطفی محمد و علیّ آله الطیبین الطاهرین المعصومین الهداء المنتجبین سیما بقیة الله فی الارضین و صلّ علیّ ائمة المسلمین و حماة المستضعفین و هداة المؤمنین.

تبریک عرض میکنم عید سعید فطر را به همه‌ی برادران مؤمن و مسلم در سراسر گیتی و به ملت بزرگ ایران و به شما نمازگزاران؛ تبریک عرض میکنم گذراندن یک ماه رمضان پُربار و سرشار از رحمت الهی را که شما مردم امسال گذرانید.



جامعه‌ی اسلامی، متضمن تقویت این راه و هموار کردن این راه و آسان کردن حرکت در این راه است. مسئولان کشور از این امکان استفاده کنند؛ با این تقویت اراده است که میتوان گره‌ها را باز کرد و مشکلات بزرگ کشور را برطرف کرد؛ با اراده‌ی قوی، با آن ابزار مهمی که خدای متعال در اختیار آنها قرار داده است.

یک راهبرد بسیار مهم و اساسی، همکاری همه‌ی مسئولان کشور در نیروهای سه‌گانه است که بحمدالله همه اینجا حضور دارید، و آحاد مردم هم که بحمدالله تشریف دارند و بعد هم [مردمی که] در سرتاسر کشور این سخن را خواهند شنید: قوای سه‌گانه باید همدلی کنند، همکاری کنند، هم‌افزایی کنند؛ قانون اساسی برای تشکیل این سه قوه ترتیب خوبی داده است. اگر چنانچه این سه قوه با هم به‌طور کامل همکاری کنند، کارها به هیچ وجه گره نمیخورد، مشکل پیدا نمی‌کند. [مسئولان کشور] مانع همدیگر نشوند؛ راه را برای همدیگر هموار کنند، باز کنند. خود مسئولان کشور — چه نمایندگان مجلس، چه مدیران قوه‌ی مجریه و قضائیه که در بین این جمعیت حضور دارند — متوجهند که این همکاری و هم‌افزایی و همدلی را چگونه میتوان به وجود آورد؛ این امروز یک راهبرد کلی است.

یک راهبرد مهم دیگر، تمرکز بر حل مسائل و سرگرم نشدن و مشغول نشدن به حواشی است. حواشی ایجاد میشود؛ همیشه هم دشمن نیست که حاشیه ایجاد میکند؛ گاهی از روی غفلت و با عوامل گوناگون و انگیزه‌های گوناگون، یک حواشی‌ای در اطراف یک کاری، یک حرکتی، یک شخصی، یک مدیری ایجاد میشود؛ سرگرم این حواشی نباید شد. نه مردم به این حواشی اهمیت بدهند، نه مسئولان خودشان را مشغول کنند؛ [همه] متمرکز بشوند روی مسائل اساسی کشور.

از مردم عزیزمان هم انتظار میرود که به برکت ماه مبارک رمضان و دستاوردهای بزرگی که در این ماه داشتند، اتحاد خودشان را حفظ کنند. بحمدالله از اول انقلاب که امام بزرگوار در کلمات نورانی خود به‌طور دائم بر روی وحدت مردم، اتحاد مردم تکیه میکرد، مردم ما متحد

و ضربه‌ی به دشمن در روز قدس؛ اینها دستاوردهای شما مردم عزیز، شما مردم مؤمن، شما ملت بزرگ ایران در این ماه بود. عرض من این است که این دستاوردها را حفظ کنید؛ اینها ذخیره‌ی معنوی است؛ این ذخایر را تا ماه رمضان سال آینده برای خودتان نگه دارید، حفظ کنید و ماه رمضان سال آینده ان‌شاءالله این روحیه را تقویت کنید. همین روحیه است که ملت را از لحاظ مادی و معنوی پیش خواهد برد و همه‌ی مشکلات را برطرف خواهد کرد، و به توفیق الهی شما را به اوج حرکت الهی و معنوی که اسلام برای جامعه‌ی مسلمان در نظر گرفته است، خواهد رساند. امیدواریم خدای متعال این توفیق را به همه عنایت کند.

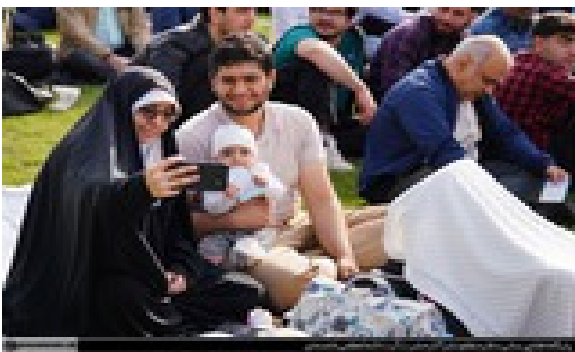
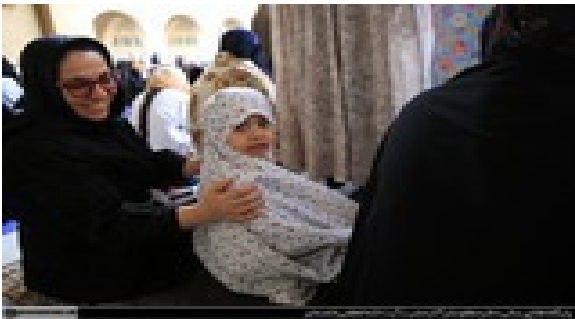
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* وَالْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَّصُوا بِالصَّبْرِ. (۱)

خطبه‌ی دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما على امير المؤمنين و الصديقه الطاهرة فاطمة الزهراء سيده العالمين و الحسن و الحسين سيدي شباب اهل الجنة و على بن الحسين زين العابدين و محمد بن علي و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و علي بن موسى و محمد بن علي و علي بن محمد و الحسن بن علي و الخلف القائم المهدي صلوات الله عليهم اجمعين و صل على ائمة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين

از خصوصیات ماه مبارک رمضان، تقویت اراده‌ها است. یک خاصیت بزرگ و مهم روزه این است که اراده‌ی شما را تقویت میکند. اراده یک ابزاری است که خدای متعال در وجود آحاد انسانها قرار داده است برای حرکت، برای پیشرفت؛ این نیرو که در ماه رمضان تقویت شده و توانایی بیشتری پیدا کرده است، بعد از ماه رمضان باید در راه رضای الهی، در راه پیشرفت، در جهتی که پروردگار متعال برای آحاد بشر معین کرده است به کار بیفتد؛ و



بوده‌اند و این اتحاد در موارد بسیاری توانست راه‌های دشواری را، تنگه‌های سختی را برای مردم باز کند و راهگشای راه‌ها باشد؛ این اتحاد باید حفظ بشود. دشمن با اتحاد ملت ایران مخالف است؛ با یکپارچگی شما مخالف است؛ با یکدست بودن ملت مخالف است. دشمن مایل است که مردم به خاطر عقاید و سلیق مختلف با هم بجنگند، با هم دعوا کنند. در یک جامعه، سلیق مختلفی هست، عقاید مختلفی هست، نگاه‌های مختلفی به مسائل هست؛ باشد، مانعی ندارد؛ همه در کنار هم زندگی کنند، با هم کار کنند، با هم مهربانی کنند؛ رأفت میان مردم بایستی وسوسه‌های دشمن را برای بدبین کردن مردم به یکدیگر یا بدبین کردن مردم به مسئولان زحمت‌کش کشور باطل کرد.

در گذشته استعمارگران با حرکت نظامی وارد کشورها میشدند. وقتی استعمار کشور مسلمان را میخواست بگیرد، با نیروی نظامی وارد میشد و میگرفت؛ این تاکتیک، این حرکت امروز از کار افتاده است و دشمنان اسلام فهمیده‌اند که از نیروی نظامی کاری ساخته نیست. در همین اواخر، آمریکا در افغانستان و در عراق این را تجربه کرد؛ دید که با نیروی نظامی کاری پیش نمی‌رود؛ لذا راهبرد را عوض کردند، راه دیگری را برگزیدند. امروز کار آنها عبارت است از تزویر، تحریف، دروغ‌گویی، وسوسه کردن، خلاف واقع نمایی، تحقیر ملت‌ها، بدبین کردن ملت‌ها به خود، پنهان کردن توانایی‌ها و برجستگی‌ها و درخشانی‌های ملت‌ها؛ امروز اینها تاکتیک است؛ [همه باید] متوجه باشیم و بدانیم. من چند روز قبل از این (۲) گفتم که ما در شناخت حرکت دشمن و تاکتیک دشمن و روش دشمن در دشمنی باید به‌روز باشیم. یک کارهایی را ده سال قبل، بیست سال قبل ممکن بود بکنند، امروز نمیکنند، روشهای دیگری دارند؛ [باید] راه ابطال این روشها را به دست بیاوریم. ملت بحمدالله هوشیار است، هوشمند است؛ شما تا امروز دشمن را شکست داده‌اید، بعد از این هم به حول و قوه‌ی الهی دشمن را شکست خواهید داد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ \* اِذَا جَآءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَ الْفَتْحُ \* وَ رَآیْتَ النَّاسَ یَدْخُلُوْنَ فِیْ دِیْنِ اللّٰهِ اَفْوَاجًا \* فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ (اَسْتَغْفِرْهُ اِنَّهٗ كَانَ تَوَّابًا). (۳)

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ

## بیانات در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری صداوسیما در پایان بازدید از سی و چهارمین نمایشگاه کتاب تهران



خبرنگار: (۱) سلام و خسته نباشید عرض میکنم. حضرتعالی در کنار اهتمام فوق العاده‌ای که به مسائل اقتصادی دارید، در یک اقدام واقعی و نمادین، طبق روال دوره‌های گذشته به سی و چهارمین نمایشگاه کتاب تهران تشریف آوردید؛ اگر ممکن است بفرمایید که جایگاه کتاب در فرهنگ ما چه جایگاهی است و چه کمکی به ارتقاء فرهنگ میکند؟

بسم الله الرحمن الرحيم. اولاً خیلی خرسندم که این توفیق را پیدا کردم که امسال در این نمایشگاه شرکت کنم. این نمایشگاه، یعنی نمایشگاه کتاب که هر سال تشکیل میشود، یک همایش عظیم مردمی است که جنبه‌ی غالب آن جنبه‌ی فرهنگ است و این خیلی خرسندکننده است؛ واقعاً این نمایشگاه شوق‌آور است. آنچه من امسال در این نمایشگاه دیدم خرسندکننده بود. اولاً جمعیت زیاد، هم دیده میشود، هم در آمارهایی که به من دادند تعداد جمعیتی که در این چند روز آمده‌اند بالا بوده، خیلی خوب بوده، مقدار کتابی که خریداری شده خیلی خوب بوده؛ بعد هم خود من که چندین غرفه را از نزدیک دیدم، انسان احساس میکند که کار نشر کتاب بر خلاف بعضی از زمینه‌های نامساعد، رو به پیشرفت است.



زمینه‌ی نامساعد» که می‌گوییم، عمدتاً گرانی کاغذ است و گاهی نامرغوب بودن کاغذ که حالا امروز وزیر» محترم (۲) به من خبر دادند که در زمینه‌ی تولید کاغذ مرغوب کارهای خوبی را شروع کرده‌اند. من البته چند سال قبل به این مسئله تأکید کردم، (۳) همت نکردند که دنبال کنند؛ حالا خب بحمدالله شروع کرده‌اند. امیدواریم که این کمک کند تا این قیمت بالای کتابها — که خرید کتاب با این قیمت‌ها واقعاً سخت است — بشکند و با ارزان شدن کاغذ، با آمدن کاغذ داخلی مرغوب، این وضع بهتر بشود.

به هر حال، اینها زمینه‌های نامساعدی است، لکن با وجود اینها انسان می‌بیند که تعداد عناوین کتاب بسیار زیاد شده؛ یعنی مثلاً فرض بفرمایید سال ۱۴۰۱ تعداد کتابی که چاپ شده از مجموع چندین سال قبل از انقلاب بیشتر است؛ این خیلی موضوع مهمی است. با اینکه حالا از لحاظ اقتصادی و امثال اینها این همه مشکلات وجود دارد، اما در عین حال عناوین کتاب بالا رفته. شمارگان چاپ کتاب البته خیلی بالا نیست، نسبتاً پایین است یا در بعضی از موارد پایین است، لکن تعداد چاپ بالا است؛ بعضی از کتابها ده بار، پانزده بار، بیست بار، سی بار چاپ شده. همین حالا در همین [جا] یک کتابی را به من گفتند که حدود دویست بار چاپ شده؛ خب اگر چنانچه مثلاً شمارگان هر دفعه‌ای هزار هم باشد، مبلغ قابل توجه و خوبی است. بنابراین، این خرسندکننده است.

مسئله‌ی کتاب مسئله‌ی مهمی است. فرهنگ کشور، فرهنگ‌سازی کشور، همواره احتیاج به کتاب دارد؛ با اینکه حالا امروز امکانات فراوان دیگری به وجود آمده — فضای مجازی و امثال اینها — اما کتاب همچنان در جایگاه خیلی والا و مهم خودش قرار دارد. همه‌ی فعالیت‌های هنری، رسانه‌ای، فرهنگی، مثل تئاتر، مثل سینما، حتی نقاشی، کارهای سمعی و بصری، احتیاج به کتاب دارد؛ یعنی آن کسی می‌تواند یک کار هنری خوب را یا کار رسانه‌ای خوب را تولید کند که با کتاب سر و کار داشته باشد. لذا من با اینکه به همه‌ی مردم توصیه می‌کنم کتاب بخوانند، همیشه هم توصیه کرده‌ام، بخصوص به جوانها، اما می‌خواهم امروز تأکید کنم که کسانی که در کار برنامه‌سازی هستند برای تلویزیون، برای رادیو، برای مطبوعات، کسانی که در کار هنری هستند، هنرهای نمایشی، هنرهای سمعی و بصری به هر شکل، اینها بخصوص احتیاج دارند کتاب زیاد بخوانند. و بحمدالله در همه‌ی موضوعات هم امروز ما کتابهای تألیف داخل داریم. یک مسئله این است.

یک مسئله‌ی دیگر هم مسئله‌ی ترجمه است. در گذشته‌ی دور که دوره‌ی جوانی ما است، کتابها غالباً ترجمه‌ای بود؛ یعنی عمدتاً ترجمه‌ی کتابهای فرنگی بود که در اینجا چاپ میشد. حالا انسان احساس میکند که کتابهای نگارش‌یافته و تألیف‌شده‌ی در داخل، تعداد خیلی زیادی از کتاب‌ها را و سهم بزرگی از کتابهای کشور را تشکیل میدهند؛ باید اینها ترجمه بشوند. یعنی من با ترجمه‌ی آثار خارجی به هیچ وجه مخالفتی ندارم — البته آن اثر خارجی] باید خوب باشد، جهت‌گیری‌اش درست باشد، گمراه‌کننده نباشد — اما متقابلاً روی ترجمه‌ی کتابهای داخلی به زبانهای خارجی هم حتماً باید تأکید کنند. و حتی المقدور آن زبان ترجمه‌شده هم — که می‌خواهیم به آن زبان ترجمه کنیم — زبان مادری مترجم باشد؛ مثلاً اگر می‌خواهیم کتاب فارسی را به عربی ترجمه کنیم، یک عرب واقعی که زبان عربی زبان مادری‌اش است ترجمه کند؛ یا انگلیسی یا همین‌طور زبانهای دیگر.

روی مسئله‌ی کتاب کودک و نوجوان هم من تأکید دارم. خوشبختانه دیدم در چندین غرفه در این مسئله کار شده و باز هم من تأکید می‌کنم که برای کودکان، برای نوجوانان، هر چه می‌توانند کتاب تهیه کنند و ما را از کتابهای بیگانه بی‌نیاز کنند که بتوانیم با فرهنگ خودمان، با جهت‌گیری‌های خودمان و اهداف خودمان ان‌شاءالله کتاب در اختیار نوجوانانمان بگذاریم. این هم یک مسئله است.

مسئله‌ی نشر هم جزو مسائل مهم است. حالا من با بعضی از دوستان که اینجا صحبت می‌کردم، راجع به نشر خبرهای خوبی دادند. من باز هم تأکید می‌کنم نشر یک بخش مهم از کتاب‌خوانی کشور را به عهده دارد. نشر باید

روان باشد، خوب باشد، همه‌جایی باشد و آسان انجام بگیرد.

به هر حال، امروز نمایشگاه خوبی بود بحمدالله. من چند ساعتی که اینجا صرف کردیم، قلباً خرسند شدم. چیزهای مزده‌بخشی را انسان در اینجا مشاهده میکند؛ همتهای خوب، نیروهای خوب، جوانهای خوب، انگیزه‌های خوب بحمدالله در نمایشگاه دیده میشود.

خبرنگار: متشکرم. سؤال دیگری که از حضرتعالی داشتم، با توجه به اشاره‌ای که فرمودید که از ساعت هشت‌ونیم تا یازده‌ونیم، سه ساعت شما اینجا تشریف داشتید و از نمایشگاه بازدید کردید، این علاقه‌ی شما به کتاب و کتابخوانی از کجا شکل گرفته و خود شما در کنار مطالعات تخصصی‌ای که انجام میدهید، چه کتابهایی را دوست دارید و توصیه میکنید به جوانان؟

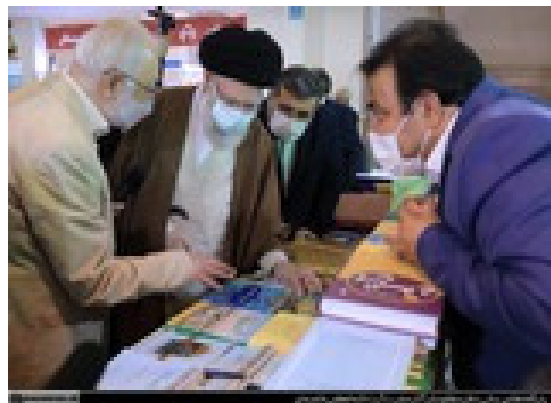
اینکه از کجا شروع شده، اینها دیگر تاریخ است، اینها خیلی اهمّیت ندارد؛ اما من همه جور کتابی را میخوانم. من کتاب زیاد میخوانم؛ کتاب فنی تخصصی میخوانم، کتاب علمی میخوانم، کتاب رمان میخوانم، بخصوص کتاب خاطرات. این کتابهای خاطرات مربوط به دفاع مقدّس و دفاع از حرم که چاپ میشود، خیلی باارزش است؛ این یک گونه‌ی جدید از کتاب‌سازی و تولید کتاب است که بحمدالله خوب راه افتاده و خانمها هم در این زمینه خیلی فعالند، نویسندگهای خانم نوشته‌های بسیار خوبی دارند، از آنها من زیاد میخوانم.

خبرنگار: بسیار ممنون، لطف فرمودید.

ان‌شاءالله موفق باشید. خدا حفظتان کند.







••••• @totayar.ir اینستاگرام @sayes\_man •••••

••••• @totayar سروش و ایتا و آی گپ •••••

••••• تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹ •••••

••••• [www.totayar.ir](http://www.totayar.ir) •••••

••••• [www.sayesman.ir](http://www.sayesman.ir) •••••



به بیان دیگر، وقتی در پیجویی سوالات خود برویم قاعدتا اتفاقات چندباره روی نخواهد داد و اگر نیز اتفاق بیفتد خروجی آن بهتر خواهد بود. مانند عکس ذیل که سه شهید غیرت را یادآور می شود.



بگذارید از منظر دیگر به این داستان بنگریم اگر با دیدن و شنیدن چنین اتفاقاتی بلافاصله با توصیه به اطرافیان و فرزندان خود بگوییم نباید مداخله کرد! و نیاید های این چینی... تأکید می کنیم که برای خودتان چینی مسالی را تبیین کنید. ببینید اگر برای خودتان بود چه می کردید؟ آیا تمنای کمک نداشتید؟ آیا از خودتان دفاع می کردید و این اتفاق مرگ و شهادت برایتان می افتاد باز چینی میگفتید؟ مسلماً خیر.

بر این اساس باید آموخت که بهترین شیوه و عملکرد در چنین زمانهایی چیست؟ آنجاست که می توان خانواده سالم و جامعه سالم داشت. یعنی بررسی و تکمیل اطلاعات ناقص راه نجات ماست. بدانیم حقوقمان چیست. بدانیم ابزارهای دفاع چگونه هستند. بدانیم چگونه باید عمل کرد.

برای رسیدن به این مهم توصیه می شود که با اصول روانشناسی جنایی و حقوق مدنی که در آن صحبت از خانه و خانواده است آشنا شوید. بدانید که روانشناسی جنایی شاخه‌ای از دانش جرم‌شناسی است که فرایندهای روانی پیش جنایی و وضعیت روانی مجرم و حتی بزه‌دیده را حین ارتکاب جرم و وضعیت روانی آن دو را پس از ارتکاب جرم، به صورت تجربی با روش از پایین به بالا مورد مطالعه قرار میدهد. بدروانشناسی جنایی مطالعه افکار و رفتار مجرمان است.

## لحظه ای با دکتر عقل، وحی و علم



امروزه صحبت بسیاری در مورد این مسأله و پیامدهای آن است که آیا باید اقدامی همچون الداغی ها کرد یا خیر؟

پر واضح است که دفاع جز احکام اسلام است و مفهومی است که در فرهنگ لغت آن را پشتیبانی یا مبارزه بر علیه ظلم به خود یا نزدیکان معنا می کند. بر این اساس به راحتی می توان به پاسخ سوال بالا رسید. اما بحث از آن است که چقدر می ارزد در مقابل یک عمل خشونت آمیز یا یک تجاوز دفاع کرد. راح تر مثال بزنیم. وقتی پلیس توصیه می کند که در مقابل سارقان گوشی تلفن همراه مقاومت نکنید و اجازه دهید که جانتان سلامت باشد. چرا باید در جای دیگر مثل الداغی ها وارد معرکه شد؟

در جواب این پرسش باید گفت که دفاع را باید در چند بخش بررسی کرد. ابتدا حق که در حیطه جان است یا مال؟ سپس در مورد درصد واجب بودن یا نبودن آن حکم داد؟ سوم آیا فردی یا جمعی دفاع کرد؟

همه جوابها در طول آموزش و پرورش همه ما بدان رسیده ایم. وقتی در کتابها داستانی معروف به نام تصمیم کبری را مطالعه کردیم. متوجه شدیم که می بایست یکسری اصول و آداب را رعایت کرد. آموختیم که باید از چه چیزی دفاع کرد. اما متاسفانه کوتاه و گذرا گفته شد و از آن عبور کردند. ولی به این بهانه ها ما به آموخته‌های اکتسابی خود عمق خواهیم بخشید. البته و صد البته با تفکر و مطالعه.

مشخص می‌کند. نه تکلیف مدرسه که تکلیف زندگی. نه برای فرزند ۱۵ ساله که برای فرزند ۴۰ ساله ی خود و حتی با سنین بیشتر دستوراتی دارند آن هم با تحکم که چون من می‌گویم این بکنید یا آن عمل را انجام ندهید. یا بالعکس والدینی که بی هیچ اصولی که به اصلاح اسم آن را راحت بودن فرزند و سخت نگرفتن می‌گذارند با ملاکهای فردی و خودساخته فرزند بزرگ می‌کنند و مدعی هستند فرزند خودمان است. غافل از اینکه این آدم که به ذات یک حیوان اجتماعی است فردا در مراودات خود در جامعه در برخورد با دیگران نواقصش هم برای خودش هم برای اجتماع آسیب‌زا خواهد بود. اما چرا اینگونه عمل می‌کنیم؟ خدا داند ...

در نتیجه مهم دانستن این است که وقتی عقل ما با وحی عجین شود یک وحدت رویه ی انسانی ایجاد می‌کند که در ادامه وقتی این عقل با علم همراه شود به تعلیم و تربیت می‌رسد که یک ضرورت فردی و اجتماعی است آن هنگام نه ما نه متولیان حکومت خودسرانه عمل نمی‌کنند و جامعه مدنی واقعی خواهیم داشت. دکتر یاسر اصلانی



این حوزه از روانشناسی به این سوال اساسی پاسخ می‌دهد که: چرا مجرمان مرتکب جرم می‌شوند؟ بدانییم حقوق مدنی یعنی قواعد و مقرراتی که در روابط خصوصی میان افراد جامعه با یکدیگر حاکم است و حقوق اشخاص، اموال، خانواده و ارث از مهم ترین تقسیم بندی های آن است که قانون، رویه قضایی و عرف، منابع این شاخه از حقوق هستند.

پس در پی این سوالات رفتن و پیدا کردن دو سویه بودن مسأله مشاهده نمیشود و اصلی ترین مسأله وضوح میابد که آن همانا تعلیم و تربیت درست به عنوان اصل پیشگیری است.

با این تفاسیر ضرورت نیز دارد بجز کسب اطلاعات در مورد مجرم و جرم در مورد رفتار و کردار خودمان نیز اطلاعات درست داشته باشیم و از سویی باید بدانیم چگونه خود را آسیب شناسی کنیم و ترمیم نماییم. بدانییم فرزندان و زیردستانی که از ما تبعید دارند را چگونه آموزش دهیم. بینابراین دوسویه بودن این رابطه که بر کسی پوشیده نبوده و نیست یکی از اصول برای عدم تکرار این گونه اتفاقات است.

نکته آخر این است که چقدر تک تک ماها از آموزش و پرورش و از روانشناس اصولی نه روانشناسی بازاری، در زندگی روزمره استفاده‌ای می‌کنیم؟ قوه قضائیه چه طور؟ صدا و سیما چه طور؟ دعوتی که از روانشناس می‌کنند، برای بررسی یک پدیده است که علل و انگیزه هایش را بدانند؟ به طور مثال، در مورد علت این اتفاقات که مسئله بدحجابی است. ما در بهبود این مهم ناموفق بودیم. ما در مورد مسئله حجاب باید چه کار کنیم که مشکل حل شود؟ روش‌هایی که داشتیم، این طور بوده است: پدر و مادرها دعوا می‌کرده‌اند، نیروی انتظامی برخورد می‌کرده است، معلم‌ها نمره کم می‌داده‌اند، و... که هیچ کدام رفتارشان صحیح، یعنی با بررسی دقیق، نبوده است.

یا بهتر بگوییم اگر منطقی شرعی و علمی نیز در این وادی مانند شهید مطهری داشتیم در حیطه ی عمل فقط با احساس شخصی و صلاح‌دید فرماندگان و متولیان امر پیش رفتیم. به نحوی که شعارهای زن زندگی آزادی که به اصطلاح دنبال هم برآمده از همین نواقص است. آنجایی که حتی والدین برای فرزند تکلیف



(UKFF) دهمین جشنواره یونیورسال کیدز ترکیه. سومین جشنواره جهانی کیدز سینمای هند. هشتمین جشنواره فیلم سیاه را بولیوی. چهارمین جشنواره احمد آباد هند. که موفق به دریافت جایزه ی بهترین انیمیشن گردید. جشنواره بین المللی بریج آپیس (پل صلح) فرانسه. که توانست دیپلم افتخار این جشنواره را دریافت نماید. پنجاه و دومین جشنواره کیدز فرست آمریکا. جشنواره کرکوک عراق که عنوان بهترین فیلم را از آن خود کرد. دوازدهمین جشنواره فیلم های کودکان هندوستان (ICFF).

چهل و پنجمین جشنواره بین المللی فیلم مسکو. همچنین این فیلم توانست هم زمان با عید سعید فطر ۱۴۰۲ به زبان عربی در کشور لبنان، به عنوان هفته فیلم و انیمیشن روی پرده برود و در ۵۰ سالن و ۳۰۰ سانس نمایش داده شود؛ که با جانمایی تبلیغاتش در سطح شهر در ۵ روز اول ۱۸۰۰۰ مخاطب را به سالن ها کشاند. آماری که برای یک اثر خارجی استقبال زیادی محسوب می شود.

این فیلم قرار است پس از آن در کشورهای عراق، سوریه، بوسنی و هرزگوین، شمال آفریقا، ترکیه، کره جنوبی و دیگر کشورهای عرب زبان به نمایش درآید. محمد حسین صادقی می گوید: «قانع کردن سینماداران حوزه ی بین الملل جهت اکران عمومی فیلم، کار بسیار مشکلی است».

امید است زین پس بیشتر شاهد تولید انیمیشن هایی با محتوایی غنی تر و ساختی حرفه ای تر در جهت ارتقا و انتقال فرهنگ اصیل کشور عزیزمان باشیم. که این امر از لحاظ اقتصادی نیز ارز آوری خوبی را برای صنعت سینما به همراه خواهد داشت.



## سفر به دور دنیا با لوپتو



سهیلا سادات حسینی: انیمیشن ایرانی لوپتو به تهیه کنندگی محمد حسین صادقی و کارگردانی عباس عسگری نخستین محصول سینمایی مرکز انیمیشن سازمان سینمایی سوره است. که علاوه بر کسب فروش ۲۲ میلیاردی در سینمای ایران، توانست به جشنواره های کشورهای مختلفی راه پیدا کرده و به روی پرده ی نمایش برود. این نقطه ی عطفی برای رشد سینمای انیمیشن ایران است. تا بتواند بدین وسیله خلأ فرهنگی موجود برای کودکان و نوجوانان را پر نماید. و همچنین به نیاز سینمای کودک که پس از فیلم های جذاب «مدرسه موش ها»، «دزد عروسک ها»، «گلنار»، «کلاه قرمزی»، «خواهران غریب»، «سفر جادویی»، «مریم و میتیل» در دهه ی اول انقلاب، به فراموشی سپرده شده بود را مورد توجه قرار دهد. آن هم در قالب انیمیشن که برای کودکان این دوره جذابیت بیشتری دارد و قابلیت رقابت با آثار مشابه خارجی را نیز داراست؛ تا بدین وسیله بتواند کودکان و نوجوانان سرزمینمان را با فرهنگ غنی ایرانی اسلامی بیشتر آشنا گرداند؛ و آن را به کشورهای دیگر نیز منتقل نماید. کشورهایی که ایران را در هجوم رسانه های بیگانه ی معاند به گونه ای غیر واقعی می شناسند از جمله حضورهای بین المللی این اثر عبارتند از:



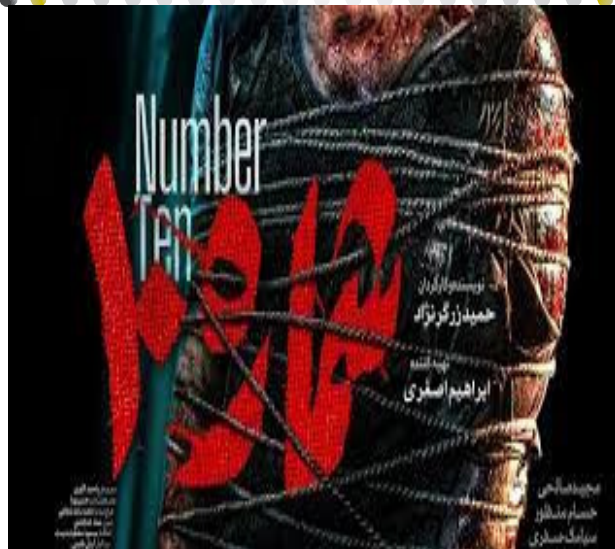
فرمودند: «قوام یک اثر هنری به قصه‌پردازی مناسب، قوی و جذاب است که باید در این زمینه توجه جدی‌تری شود». نبض فیلم در یک سوم ابتدایی به شماره می‌افتد و این امر موجب می‌شود برخی از تماشاگران به کما روند و مابقی در تلاش برای زنده ماندن تا انتهای فیلم به تعادلی نسبی برسند و با انبوهی از سؤالات باقی بمانند. با این حال نقاط قوت آن به قدری است که مخاطب با نارضایتی کامل تماشای آن را به پایان نرساند. مواردی مانند موضوع پرکشش، بازیگرانی توانا خصوصاً مجید صالحی با گریم و طراحی لباسی کاملاً هماهنگ، هیجانات انتهایی فیلم و صحنه پردازی‌های جذاب تحت نظر کارگردانی کاربلد ناجی این اثر هنری محسوب می‌شوند.



۰۲۱-۷۷۸۴۹۸۴۹

انجمن  
تعلیم و تربیت اسلامی  
یار تخصص شما

## شماره ی ۱۰



سهیلا سادات حسینی: تهیه کننده: ابراهیم اصغری، بازیگران: مجید صالحی، حسام منظور، سیامک صفری، بهرنگ علوی و احمد کاوری، کارگردان: حمید زرگرنژاد.

خلاصه داستان: دو اسیر ایرانی قصد دارند از زندان عراق فرار کنند که درگیر ماجراهایی می‌شوند.

شماره ۱۰: نگاه نوي فیلم با محور قرار دادن موضوعی که کمتر بدان پرداخته شده است. آن را از سایر آثار دفاع مقدسی متمایز می‌سازد. تصویری جدید از زندان‌های رژیم بعث عراق با استفاده از کارخانه‌ی قدیمی متروکه، ایده‌ی نابی بود که به باورپذیری و خاص بودن فضا کمک شایانی کرده است. همچنین نمایش بی‌پرده‌تری از شکنجه‌ها نسبت به آثار مشابه، رعب و وحشت آن را به خوبی منتقل می‌نماید. البته چنانچه فیلمبرداری برخی قسمت‌ها به جای مقطع بودن در امتداد یکدیگر قرار می‌گرفتند. مخاطب بیشتر می‌توانست خود را در آن فضا قرار دهد و با آن همزادپنداری نماید. نقطه ضعف اصلی این فیلم عدم بهره بردن از فیلمنامه‌ای پخته با شخصیت‌هایی قوام یافته است. که بسیاری از زحمات حرفه‌ای و تخصصی سایر عوامل در بستر این ضعف کم رنگ می‌شوند. همان امری که رهبر انقلاب در بیاناتشان

## تبریز، شهریار عشق (۲)

سهیلا سادات حسینی: این سریال در زمان پخش از طرف مریم بهجت تبریزی، دختر شهریار در ابعاد مختلف مورد اعتراض قرار می‌گیرد. برای نمونه وی بیان می‌دارد: «مادرم، فردی با سواد بوده که در سریال بی سواد معرفی می‌شود. ایشان نوه عمه ی پدرم و خویشاوند نزدیک مادرم بود ولی در این سریال، یک فرد بیگانه معرفی می‌شود که پدرم را به طور اتفاقی در بانک می‌بیند... مادر من اصلاً مریض نبودند. یک روز که ما را برای مدرسه آماده می‌کردند، سگته مغزی کردند و دار فانی را وداع گفتند. ایشان اصلاً بیمارستان نرفتند که پدرم از ایشان پرستاری کند... سریال شهریار بدون کمترین تحقیق و پژوهش سرهم‌بندی و نگارش شده است... داستان، بیوگرافی و شخصیتی که از پدر من در این سریال نمایش داده می‌شود به طور کلی متفاوت از واقعیت است و کسی که این فیلم را ساخته کوچک‌ترین شناختی از شخصیت ادبی، مذهبی، دینی و عرفانی پدرم نداشته است».

کمال تبریزی در مقام سریال در این خصوص می‌گوید: «مرحله‌ی نمایش از کنار هم چیدن تصاویر ایجاد می‌شود که بسیاری از آن‌ها واقعی نیستند؛ قصد ما القای مفهومی به مخاطب بوده است. سریال شهریار مو به مو حوادث واقعی را روایت نمی‌کرد، بلکه در درجه‌ی اول بیشتر به دنبال آن بودیم که کدام قصه معنای بهتری را منتقل می‌کند». وی تصریح کرد: «خانواده‌ی محترم شهریار از ابتدا در جریان ساخت این سریال قرار داشتند و با سفری که من و آقای اردشیر رستمی قبل از آغاز تصویربرداری به شهر تبریز داشتیم با فرزند شهریار آقای هادی بهجت تبریزی به گفت و گویی مفصل در این زمینه نشستیم که نوار ضبط شده‌ی این گفت و گو نیز موجود است. متأسفانه در آن دوره هیچ یک از دختران شهریار حاضر به گفت و گو با ما نشدند و نسبت به ما کم

«لطفی کردند

پسر شهریار در این خصوص می‌گوید: «سریال شهریار خوشبختانه در خطوط کلی خود توانسته است با حفظ اصول حرفه‌ای امانت داری را در ارائه‌ی داستان زندگی شهریار رعایت کند... برای ایجاد جذابیت داستان طبیعی است که کارگردان و فیلمنامه‌نویس در جزئیات موضوع می‌توانند دخل و تصرفی داشته باشند و این همان چیزی است که ما از آن به نام هنر یاد می‌کنیم و هنرمند مختار است پس از شنیدن روایت‌های گوناگون از زندگی یک شخصیت همانند شهریار؛ یک اثر هنری خلق کند. که ممکن است تفاوت‌هایی نیز با آنچه روایت شده داشته باشد... به نظر من تلاشی که در این راه صورت گرفته مثمر ثمر بوده است

کمال تبریزی ضمن اعتراض به حذفیاتی که در پخش سریال اتفاق افتاد. گفت: «حذف قسمت نوزدهم و مثله شدن قسمت بیستم به دلیل همین انتقادات بوده است... و بسیاری از موضوعات عاشقانه‌ی بین شهریار و همسر وی (عزیزه) حذف شده است... این اتفاق بدی برای من بود... اگر این مجموعه به طور کامل پخش می‌شد، تا حد زیادی زاویه‌ی دید من «به شهریار بازگو می‌شد».

وی معتقد است: «ما همواره دوست داریم یک هاله‌ی تقدس دور افراد ایجاد کنیم؛ خصوصاً اگر آدم‌ها بزرگ باشند. در این حالت اگر کسی ایرادی از او را بیان کند. فکر می‌کنیم، توهین به این شخصیت بوده است... در حقیقت هیچ کس بدون قضاوت قبلی «سریال «شهریار» را ندیده است

شهریار ۲۷/۶/۱۳۶۷ در حالیکه هشتاد و دو سال داشت. به خاطر بیماری ریوی در بیمارستان مهر تهران چشم از جهان فروبست و در مقبره الشعراى تبریز به خاک سپرده شد. روزی که در تقویم تحت عنوان روز ملی شعر و ادب از آن یاد می‌شود. با توجه به اینکه هیچ پلانی از سریال شهریار در تبریز فیلمبرداری نشده است. بازدید از خانه‌ی این شاعر و ادیب بزرگ ایرانی که در سال ۱۳۷۰ تبدیل به موزه‌ی ادبی استاد شهریار گردید. شوقی دوچندان را برمی‌انگیزد. به بهانه‌ی تکمیل تصورات ذهنی مان





عکاس: سهیلا سادات حسینی



عکاس: سهیلا سادات حسینی



در مورد این شخصیت برجسته همسفر سفر به شهر تاریخی تبریز گردید

برای رسیدن به خانه ی استاد می توانی از خیابان امام خمینی تبریز، نزدیک میدان ساعت به خیابان مقصودیه بروی و پس از گذر از تقاطع خیابان ارگ جدید داخل کوی نوبر شوی. کمی بعد سمت چپ، کوچه ی شهریار را می بینی. با دیدن این نام ناخودآگاه قدم هایت تندتر می شود. پلاک ۳۱ همانجایی بود که شاعر نظر کرده و بلند آوازه ی غزل «علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را» بیست سال انتهایی عمرش را در آن سپری کرده بود. خانه ای قدیمی و ساده با آجرهای سه سانتی و درب سفید دو لنگه که یکی از آن ها به طور کامل باز بود. در دو طرف درب گلدان های سفالی شمشادکاری شده آنجا را متمایز کرده و طراوتش حس خوش آمدگویی را القا می نمود. سمت چپ درب تابلوی کوچک موزه ی ادبی استاد شهریار قرار داشت و سمت راست تصویر حکاکی شده ی ایشان بر روی سنگ از مهمانان استقبال می کرد

بنایی ۲۵۰ متری با حیاطی که احساس خاطره انگیز خانه های قدیمی را با تو همراه می کند. روبروی درب نیمکتی است که هر مهمانی را به نشستن و لذت بردن از آرامش آن غریبه ی آشنا ترغیب می کند. تندیس برنزی از استاد شهریار در کنج همان دیوار که ارتفاع آن پنجره های زیرزمین و نیمی از پنجره ی طبقه اول را در بر می گرفت، خودنمایی می کرد. پنجره هایی با چهارچوب آبی آسمانی در همراهی با آفتاب نیمروزی گرمایی خاص به آنجا بخشیده بود. در کنار پنجره ها درب ورودی شیشه ای و در امتداد آن ایوان پنج متری مسقف با نرده های آهنی سفید به همراه تندیس دیواری برجسته ی استاد قرار داشت. سقفی که دلت می خواست در هوای بارانی یک شب مهتابی زیر آن بنشینی، چای بنوشی و به حوض پر از آبی که دانه های باران سطح صاف آن را موج می کنند؛ نگاه کنی و احساس درختان و گل های رنگارنگ کنار حوض را تخیل کنی که با شادمانی سیراب می گردند و لحظه به لحظه بر طراوتشان افزوده می شود. ادامه دارد

نمی آید. نکته مهمی که در فیلم و سریال های بعد از انقلاب اسلامی ایران باید بیشتر بدان پرداخته شود؛ زیرا تجملات دنیوی ماشینی و خانه های لوکس همواره موجبات آسایش و آرامش را فراهم نموده است.

باری، باید دانست در مواقع سختی ها و مشکلات پیش آمده در امروزه روز برای تک تک ما افراد، خداوند تنها منبع آرامش و آسایش است. فرقی نمی کند قوی و شجاع یا ضعیف و ترسناک باشید، کلام خدا به ما کمک می کند، در زمان های سخت آرامش پیدا کنیم؛ چرا که خداوند پناه و قوت ماست و او برای ما بس خواهد بود. «و هو حسبه». به بیانی دیگر، عدم تبیین عوامل دیگر بجز مسائل مادی در پویا نمایی لوپتو به معنای حل مسائل و مشکلات به خودی خود می توانست وضوح و دقت نظری بیشتر داشته باشد تا مخاطب کودک و نوجوان ما این مفهوم را بیاموزد که چگونه می شود که بشود.

شاید دلیل دست اندرکاران این پویا نمایی جواب معروف در این حوزه باشد که عوام بدان اشاره دارند و آن نیز شامل این نکته است که کودک نخواهد فهمید، چون باور پذیر نیست. در پاسخ باید اشاره شود که چنان چه در دقایق ابتدایی این پویانمایی، مخاطب بزرگ جای خود را به کودکان داده است و به طرح مسائلی که در هرم سنی کودکان قرار نمی گیرد، می پردازد، باید بستر سازی و مفهوم پرورش را آموزاند. یعنی با ثبت تصاویر این چینی در کودکان در هنگام رشد به هر طریقی، خود او این ارتباطات را کشف کرده و مرتبط خواهد ساخت. به طور مثال اگر اتفاقی بیفتد و توپ او وقتی به وسط خیابان برود و ماشین از روی آن رد نشد، با کلمه ی خدا خواست مواجه شود و یا اینکه بشنود که یک دیگری مهم، به او گفت: خدا چقدر دوستت دارد ... در مراحل رشد خود او وقتی با چنین موانع و حوادثی روبرو شود از این مفاهیم بهره خواهد برد تا رفته رفته به مضمون اصلی توکل و توسل به خداوند تبارک و تعالی رو بنمایاند.

چنان که اکثر رفتارشناسان ایجاد عادت، بر اساس تکرار و مشاهده ی مداوم را مقدمه ای برای ایجاد یک رفتار، ضروری می پندارند. حتی آن دسته از روانشناسانی که

## لحظه ای با دکتر: مطالعه ی آرامش برای آسایش (۲)

بر این اساس بشر اگر در زمان و مکانی آسایش نیز داشته باشد، ممکن است از او این گونه بشنویم که آرام و قرار ندارم. بگوید احساس می کنم که می خواهد یک اتفاقی بیفتد یا خبر بدی بشنوم.

آری، هر دو نیرو دهنده آدمی هستند و قدرت و امید آفرین هستند. به نحوی که در مواجهه با چنین فردی بتوان متانت و سامان روح او را که برآمده از تسلط بر نفس، وقار و آسایش خاطر است، مشاهده نمود. این گونه placidity, composure, serenity, است که کلماتی که مرادف با متانت، صفا و خون سردی است، در زبان انگلیسی آورده می شود و زبان عربی آرامش را راحت بال و آسایش را راحت می داند.

در ادبیات دینی بر همین اساس خدا از طریق کتاب های مقدس و همچنین از طریق دعا سعی در آرام کردن انسان دارد. در حالی که او کلماتی را که ما به زبان می آوریم قبل از گفتن آن ها می داند و حتی افکار ما را نیز می خواند؛ اما از ما می خواهد که به او بگوییم چه چیزی در ذهنمان است و چه چیزهایی نگران کننده برای ما شده است و بر آن اساس از او طلب کنیم و برای تحقق آن دعا نماییم.

بنابراین در نمادسازی و شخصیت سازی های فرهنگی بالاخص در فیلم ها و سریال ها باید از این تعاریف بهرمنند شد. مانند اروپاییان که ابتدا با نمادسازی حضرت مریم و عیسی بن مریم به عنوان تابلو و مجسمه و قرار دادن آن در مکان های متفاوت سعی در تلقین این مهم دارند که با تمسک بدین ابزار و واسطه ها می توانید آرامش و آسایش خود را بیابید. با این تفاوت که در ادیان آسمانی تمامیت سلامت کامل و رفاه کامل در این دنیا به دست



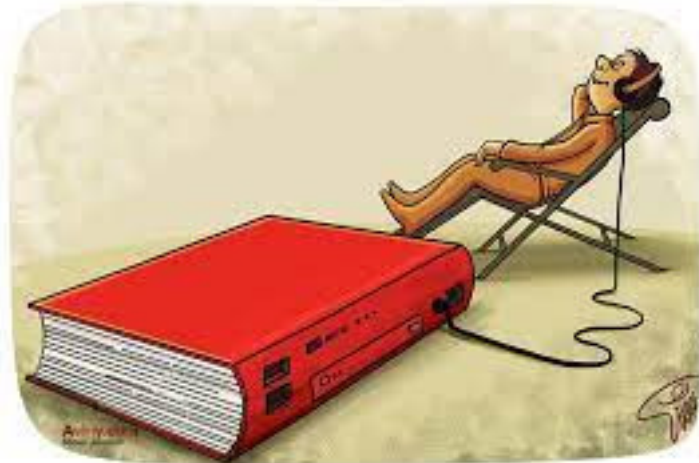
کاریکاتور آرامش



انسان را با نگاه حیوانی شرطی می کنند تا بدان آموزه هایی که می خواهند، بیاموزند، بر این مقدمه ی مهم که می توان اسم آن را ایجاد فضای تربیتی گذاشت، تأکید دارند.

با نگاهی کلی به حوزه فیلم و فیلم سازی، می توان بجای تأکید بر هیجان های کاذب و انگیزش های غیر واقع بینانه که می تواند در بهبود روابط انسانی تأثیر معکوس بگذارد، مانند آنچه داعش تحت عنوان خشونت به عنوان جهاد از تمام مفاهیم های ارائه شده توسط رسول اکرم «ص» بر می دارد و فقط به جنگ های آن حضرت متکی می شود؛ ارزش های دیگر مانند گفتگو را حتی در جامعه ای که به تازگی با پایان دادن به یک درگیری مسلحانه موافقت کرده است، نشان داد.

این مسأله همان صلح طلبی برخی از ادیان غیر خدایی مانند شاخه های هندوئیسم و بودیسم نیز هست که با آموزش عدم خشونت و عدم آسیب رساندن، سعی در رویکرد صلح طلبی دارند. حتی پیروان شاخه های خاصی از مسیحیت همچون کواکرها که بسیار صلح طلب هستند. آنچه که در دین مبین اسلام با طرح ایده ی کرامت انسانی و یا انسانیت مشترک، منبعث از این تصور که تمام آدمیان با تصویر الهی آفریده شده اند، نشأت می گیرد، اساس صلح واقعی را بنا می نهد، می توان پایان باز یا پایان بسته در فیلم ها باشد تا مخاطب خاص ما که در اینجا کودک است در این وادی با تفکر به مفاهیم آرامش و آسایش، در ابتدا بیاندیشد و بدان خو بگیرد و در مراحل رشد برای رسیدن بدان تلاش کند و از آن دفاع نماید. ادامه دارد....



.....  
 @totayar.ir اینستاگرام @sayes\_man  
 @totayar سروش و ایتا و آی گپ  
 تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹  
 www.totayar.ir  
 www.sayesman.ir  
 .....

و روان و جسم ما بیشتر خدمت می کند تا زندگی راحت، جلوگیری کردیم. ولی این هنر تمام کردن موقعیت های تلخ زندگی فقط از عهده ی کسانی بر می آید که جسارت روبرو شدن با سختی های بعد از آن را دارند.

بشری که انسان شدن را آموخته است و با آن ریل حرکت می کند؛ چون معتقد است که تحمل سختی ها بعد از تمام کردن همه حواشی اش، بالاخره با پشتکار و تلاش مجدانه به طور حتم و قطع منجر به روزهایی روشن خواهد شد. پس بیاییم هنر تمام کردن را بیاموزیم.

صحبت های بی پایان، غیبت های بی پایان، خشم های بی پایان، طمع های بی پایان، و خطاهای تمام نشدنی! نویسنده: فاطمه محمودی

## هنر من:

## هنر تمام کردن

چند سالی است نه یادم هست کجا؟ نه یادم هست که از کی؟ ... یک پایان تلخ بهتر از تلخی بی پایان است. جمله انگاز که به قول کارگاه سریال های معروف پوآرو در سلول های خاکستری مغز من کوبیده شده باشد. انگار که وارد خون من شده باشد. چه جمله ی قشنگی است. یک جمله چقدر می تواند اثرگذار باشد؟! ...

ولی صرف دوست داشتن کافی نیست. جرأت و جسارت اجرایی کردن این جمله یک هنر به تمام معنی است.. چنان که در رابطه ای هستیم که تمام احساس ما و نیرو و توان عشق خود را نثار کردیم و جواب مناسبی از شریک احساسی خود دریافت نکردیم. آیا امیدی به تغییر است؟! اگر نمی خواهد درست شود و نمی خواهد بفهمد! پس اینجا یک پایان تلخ بهتر از تلخی بی پایان است.

در شغلی مشغول به کار هستیم و خسته از بی عدالتی و بی انصافی های مکرر و رفتار نامناسب کارفرما و حقوق ناکافی و عدم تأمین امنیت شغلی بدون بیمه و اضافات حقوق، آیا ادامه این شغل باعث موفقیت و شادکامی ماست؟ به طور مسلم خیر... اما چرا برخی ادامه می دهند؟ چرا تمامش نمی کنند؟ مگر یک پایان تلخ موقتی بهتر از تلخی بی پایان نیست؟

همیشه و همجا جدایی و ترک موقعیت و آن فعل و از دست رفتن شغلی که برایش زحمت کشیدیم، تلخ و ناراحت کننده است، ولی چنان چه به امید روزی بهتر و آینده ای روشن به یک رابطه ی عمیق و درست تر و منطقی تر و شغلی در خور شأن تر روحيات ما که عاری که نه، اما کمتر آن فشارهای عصبی و روحی و شغلی در آن مطرح است، به امید تلاش بیشتر و اهتمام به روزهای شادتر به یک تلخی تن در دهیم.

تکرار تلخی های هر روزه روز و مداوم که به آسیب روح

انجمن  
تعلیم و تربیت اسلامی  
پار منحص شتا



۰۲۱-۷۷۸۴۹۸۴۹



### کاريکاتور نفوذ فرهنگي



## Culture of a country is always in need of books



Journalist: Salam. I hope you are well. In addition to the outstanding attention that you have given to economic issues, you are visiting the 34th Tehran Book Fair in a move that is both a real action and symbolic, just as you had in previous periods. Could you please tell us what position books hold in our culture and in what manner they can help improve our culture?

Imam Khamenei: In the Name of God, the Compassionate, the Merciful.

I am very happy that I have had the opportunity to take part in this book fair this year. This exhibition, that is, the Book Fair, which is held every year is a great public gathering. The dominant feature of this gathering is culture, and this is truly something to be happy about. This exhibition is truly thrilling. What I have seen in this book fair this year has been pleasing. First of all, a large crowd can be seen. According to the statistics that were given to me, a large number of people have

come here during the past few days. This is very good. The number of books that have been purchased is very good. After visiting several booths myself, a person can see that the work of publishing books is making progress, despite some unfavorable conditions.

When I say “unfavorable conditions,” what I am mainly referring to is the high cost of paper, and in some cases, poor paper quality. Now, the honorable Minister [of Cultural and Islamic Guidance] has informed me that good efforts have started for the production of high-quality paper. Of course, I stressed this issue a few years ago, but no efforts were made to pursue this. Praise God, they have started working on this now. We hope that this will help start a decrease in the high price of books because it is very hard to purchase books at these prices. And hopefully, the situation will improve once paper becomes cheaper and we have high-quality domestically-manufactured paper.

Anyway, these are unfavorable conditions. But despite these, one can see that the number of book titles has increased. For example, let’s say that the number of books published in 1401 AHS [2022 AD] alone was more than the total number of books that had been published during the several years before the Revolution. This is a very important matter. Even though there are all these problems now, in terms of the economy and such things, at the same time the number of titles of published books has increased. Of course, the number of



books printed in each edition is not very high. They are relatively low numbers or they are low in some cases, but the number of editions published is high. Some books have been printed 10, 15, 20, or 30 times. Just now, I was told about a book that has been published about 200 times. If, for example, 1,000 copies were printed each time, this amount is a good, significant number. So this is something to be pleased about.

The issue of books is very important. The culture of the country and creating social norms are always in need of books. Although there are many other facilities today, such as the social media and such things, books still hold a very lofty, important place. All artistic, media, and cultural activities such as the theater, the cinema, and even painting and audio-visual work, require books. In other words, the person who reads books is the one who is able to produce good artwork or do good work for the media. Therefore, even though I recommend that everyone read books – I have always recommended this, especially to young people – what I would like to emphasize today is that those whose job is making TV or radio programs, or those who make programs for the press, or those who are involved in the arts, in drama, or in the audiovisual arts in any shape or form, these individuals in particular need to read many books. And praise God, we have books that have been written inside the country on all subjects these days. This is one issue.

Another issue is the issue of translation.

Long ago when I was young, most of the books that were available were books that had been translated from other languages and printed here. Today, a person sees that the books written and composed inside Iran constitute a large part of the books available in the country. These should be translated. I mean, I have no problem whatsoever with foreign books being translated. Of course, these [foreign books] need to be good with a correct orientation, and they shouldn't be misleading. But at the same time, the translation of Iranian books into other languages must also be emphasized. And the translator's native language should preferably be the language that we want [the book] to be translated into. For example, if we want to translate a Farsi book into Arabic, an Arab person whose mother tongue is Arabic should do the translating, and the same in English and other languages as well.

I would also like to stress the issue of books for children and teenagers. Fortunately, I have seen in several booths that work has been done on this issue. Again, I insist that they prepare books for children and teenagers as much as they can so that we have no need for foreign books and so that we can, God willing, present our teenagers with books that are based on our own culture, orientations, and goals. This is another issue.

The issue of publishing is also one of the important issues. Now, when I was talking with some friends here, they gave me some good news about publications. I would like

to emphasize once again that publishing is responsible for an important part of the reading that takes place in the country. The publishing process needs to be smooth, good, everywhere, and easy to do.

Anyway, praise God, it was a good exhibition today. I am wholeheartedly pleased with the few hours I spent here. One can see things here that are glad tidings, as they say. Good effort, a good workforce, good young people, and good motivation, praise God, can be seen in this exhibition.

Journalist: Thank you. There is another question that I wanted to ask you. Considering that you mentioned that you have been here at the exhibition for three hours, from 8:30 am to 11:30 am, where did your interest in books and reading originate? And along with the specialized studies that you have, what other books are you interested in? Which books would you recommend for young people?

Imam Khamenei: Where it started and its history isn't very important. I read all sorts of books. I read a lot. I read specialized, technical books. I read scientific books. I read novels, especially memoirs which are related to the Sacred Defense and those who defended the Holy Shrines. These books that are published are very valuable. This is a new way to create and produce books, and women are also very active in this field. Our female authors write very well, and I read many of their works.

Journalist: Thank you very much. Very kind of you.

Imam Khamenei: May you be successful, God willing. May God protect you.









**sayes  
man**

@sayesman

**Happy Eid**

Shia Jafari teacher

Consulting

architect